

رابطه متقابل سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ایران

ابوالفضل شاه‌آبادی
عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا
shahabadia@gmail.com

رقیه پوران
مدرس جهاددانشگاهی ساوه
pouran.roghaye@gmail.com

تجاری خودافزا نمی‌باشد. زیرا عدم‌تقابل مولفه‌های فوق‌الذکر موجب کاهش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در فضای بین‌الملل شده است. در این راستا توصیه شده است که به منظور دستیابی به تعامل مثبت و خودافزا میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت، بیش از پیش به رونق و شکوفایی بازار تحقیق و توسعه و سرمایه‌انسانی بها داد تا بتوان از نقش کلیدی سرمایه‌انسانی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید کالاهای دارای فناوری بالا، جهت افزایش قدرت رقابت‌پذیری، بهره بیشتری برد. لزوم هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی و پژوهشی در راستای افزایش نرخ بازده سرمایه‌انسانی و فراهم کردن زمینه شکوفایی بازار تحقیق و توسعه و جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، برنامه‌ریزی و جهت‌گیری یارانه‌ها به سمت تشویق فعالان اقتصادی در جهت استفاده از عوامل تولید جدیدی که منجر به ابداع، نوآوری و

سرمایه‌انسانی / سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی / رقابت‌پذیری
/ تجارت

چکیده

ادبیات نظری و تجربی به ارتباط متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و جریان تجارت و نقش تعیین‌کننده سرمایه‌انسانی در این تعامل اذعان دارند. هدف این مطالعه ارائه چارچوبی نظری و تحلیلی جهت بررسی تقابل سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان تجارت در ایران طی دوره 1340-1388 است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی ایران و جریان ورودی FDI به ایران، طی دوره مورد بررسی دارای تأثیر متقابل بوده است اما به دلیل فقدان رونق بازار سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه و بنابراین فقدان شکوفایی مولفه‌های اقتصاد دانش‌محور، مطابق انتظارات نظری، تقابل میان سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان

خلاقیت شده و فضای رقابتی را بهبود بخشد، از دیگر راهکارهای افزایش قدرت رقابت‌پذیری ایران است.

مقدمه

در دنیای امروز شاهد تغییرات عمیق و اساسی در اقتصاد کشورها هستیم. اقتصاد جدید دارای دو مؤلفه اساسی یعنی، بازار با فناوری بالا و سرمایه انسانی است. بازار با فناوری بالا به این معنی است که در این بازار ماهیت رقابت برخلاف گذشته که به وسیله تغییر در قیمت کالاها صورت می‌گرفت، در توانایی ایجاد ابداعات و نوآوری صورت می‌گیرد که برای دستیابی به این هدف کشورها و مؤسسات، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در امر تحقیق و توسعه انجام می‌دهند. دومین رکن اساسی در اقتصاد دانش، سرمایه‌انسانی یعنی علم، دانش، مهارت، تخصص و یا نیروی کار بسیار ماهر است. به کارگیری فناوری‌های برتر و توان رقابتی بیشتر در بازار، مستلزم به کارگیری و افزایش سرمایه‌انسانی است. بنابراین نیروی انسانی ماهر و متخصص به عنوان عامل تصمیم‌ساز، خلاق و برخوردار از تخصص و مهارت و علم و فناوری، یکی از عوامل مؤثر در فرآیند توسعه پایدار محسوب می‌شود. کشورهای توسعه‌یافته امروز، توسعه خود را مرهون مدیریت، خلاقیت، ابتکار و استعداد نیروی انسانی می‌دانند. آن‌ها با اتکاء بر نیروهای انسانی ماهر، تحقیق و توسعه و مدیریت کارآمد، مبادرت به تولید محصولات با مزیت نسبی اکتسابی، بر پایه اقتصاد دانش‌محور نموده و به این طریق به رشد اقتصادی مستمر و باثبات دست یافته‌اند.

از طرف دیگر مطابق با نظریات و الگوهای رشد، سرمایه فیزیکی در کنار سرمایه‌انسانی موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی معرفی شده است. به عبارت دیگر جهت تحقق اهداف کلان اقتصادی، فراهم آوردن سرمایه فیزیکی کافی در کنار سرمایه‌انسانی، به منظور تأمین مالی طرح‌های زیربنایی ضروری می‌باشد. تا پیش از دهه 80 بسیاری دولت‌ها کمبودهای سرمایه خود را از طریق استقراض از خارج تأمین می‌نمودند. اما استفاده نادرست از منابع مالی خارجی از طریق استقراض، بروز بحران بدهی‌ها در جهان در دهه 80 و نیز تبعات منفی سیاسی-

اقتصادی فزاینده آن سبب شد تا تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان بهترین روش مطرح شود.

حضور سرمایه‌گذاران خارجی در اقتصاد داخلی انگیزه سرمایه‌گذاری در آموزش را برای مردم و دولت ایجاد می‌کند: مردم به سطح تحصیل بالاتر به منظور دسترسی به فرصت‌های بهتر شغلی که توسط شرکت‌های خارجی فراهم شده است، تشویق می‌شوند و دولت به منظور حمایت از تشکیل سرمایه انسانی برای نفع بردن از سرریزهای احتمالی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (فناوری و انتقال دانش) تشویق می‌شود. به علاوه موجودی سرمایه انسانی، محیط سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب‌تر می‌سازد. در حقیقت رابطه متقابل سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمانی ایجاد می‌شود که شرکت‌های چندملیتی و محلی در کشورهای میزبان به دنبال روند فزاینده جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، میزان مهارت خود را بهبود بخشند و همزمان با افزایش مهارت شرکت‌های چندملیتی و محلی، انگیزه ورود سرمایه‌گذاری خارجی بیش از پیش قوت گرفته و این تعامل خودافزا می‌شود. متقابلاً، کمبود عرضه نیروی کار ماهر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را کاهش می‌دهد و کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تقاضا برای نیروی کار ماهر را کاهش می‌دهد.

سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد قدرت رقابت‌پذیری و توسعه فضای رقابتی، از طریق تولید کالاهای دارای فناوری بالا، در سطح داخلی و بین‌المللی دارند و از طرف دیگر، قدرت رقابت داخلی و خارجی، میزان رشد و توسعه اقتصادی و سرمایه‌انسانی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی اثر تعیین‌کننده دارد.

در این مطالعه در نظر داریم به تأثیر متقابل سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در اقتصاد ایران و نقش این تقابل در توسعه فضای رقابتی بپردازیم. برای این منظور در ادامه ادبیات نظری و تجربی رابطه متقابل این سه متغیر را تشریح نموده و سپس به تجزیه و تحلیل وضعیت و ارتباط بین این متغیرها در اقتصاد ایران طی دوره 88-1340 می‌پردازیم. در

پایان با توجه به نتایج بحث، به ارائه توصیه‌سیاستی در این زمینه می‌پردازیم.

1. پیشینه نظری و تجربی

باز بودن اقتصاد دو اثر متضاد دارد، نخست؛ باعث توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری صادراتی می‌شود و دوم؛ اثر منفی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری بازاری دارد. درجه کم باز بودن اقتصاد باعث جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری بازار خواهد شد؛ زیرا شرکت‌ها تمایل دارند با اجتناب از تعرفه‌ها و هزینه‌های انتقال و با استفاده از منابع تولید ارزان کشور مقصد، سرمایه‌گذاری‌هایی با جهت‌گیری صادراتی انجام دهند و این سرمایه‌گذاری در صورتی انجام می‌شود که تعرفه‌ها کاهش یابند.

هدف از این شکل سرمایه‌گذاری، بازار داخلی نیست؛ بلکه صادرات کالاهای تولیدی است. زیرا این دسته از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی با استفاده از تولیدات محلی کم‌هزینه صورت می‌گیرد، بدون اینکه لزوماً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری بازاری حذف شود. از طرفی، درجه باز بودن اقتصاد سبب جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری بازار می‌شود.

درجه بالای باز بودن دلالت بر ارتباطات اقتصادی بیشتر با کشورهای دیگر و نهادهای تجاری درون‌شرکتی (باز درون‌صنعتی) دارد. پیچیدگی و تفاوت فاحشی میان مفاهیم تجارت آزاد و جریان آزاد سرمایه وجود دارد. در تجارت آزاد از صادرات و واردات کالاها و خدمات سخن به میان می‌آید و جریان آزاد سرمایه به فقدان کنترل بر تحرک سرمایه اشاره دارد. تجارت آزاد، باعث جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری صادراتی می‌شود؛ در حالی که موانع تجاری، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متمایل به جهش تعرفه را جذب می‌کند که سود اولیه آن در مزیت اکتسابی بازار داخلی می‌باشد [1].

کشورهای در حال توسعه به دلیل برخورداری از شرایط ویژه، معمولاً از فناوری در مقیاس محدود استفاده می‌کنند. به علت

قدیمی شدن اکثر فناوری‌های مورد استفاده در این کشورها، میزان کارایی بنگاه‌ها نسبتاً پایین است. حتی اگر بخشی از شکاف بهره‌وری با دستمزدهای کمتر جبران شود، عدم کارایی فنی بر کیفیت محصولات اثر می‌گذارد و توانایی و قابلیت آن‌ها را برای پاسخگویی به نیازهای جدید بازار کاهش می‌دهد.

این در حالی است که این کشورها می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به فناوری مدرن دسترسی پیدا کنند و کارایی حاصل از آن را افزایش دهند. بومی کردن این فناوری‌ها و توسعه فعالیت‌های تحقیق و توسعه آثار سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهد [2]. در این میان، نقش سرمایه‌انسانی و نیروی کار ماهر در فرآیند بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهت بومی کردن فناوری فنی حاصل از سرمایه‌های خارجی و فعالیت‌های تحقیق و توسعه نمود پیدا می‌کند.

برای درک رابطه میان سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چرخه جذب سرمایه خارجی را تصور کنید. سیاست‌های کشور میزبان باید به گونه‌ای باشد که محیط سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کند. مجموعه شرایطی شامل؛ کمیت و کیفیت عوامل تولید، اندازه و دسترسی بازار، هزینه‌های منطقی و شرایط سیاسی - اجتماعی لازم است تا فعالیت شرکت‌های چندملیتی با کمترین ریسک انجام شود. کشوری که موفق به ایجاد چنین شرایطی در محیط سرمایه‌گذاری خود شود در واقع راه را برای ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فعالیت شرکت‌های چندملیتی هموار نموده است.

تجربه کشورهایی که موفق به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده‌اند نشان می‌دهد که بسیاری از این عوامل ضروری بوده است. اما در میان آن‌ها سطح سرمایه‌انسانی عامل تعیین‌کننده‌ای است که شرکت‌های چندملیتی، به ویژه شرکت‌های چندملیتی دارای ارزش افزوده بالا، برای تعیین محل جدید عملیات اجرایی خود به آن توجه می‌کنند. این مورد اخیراً به تعیین‌کننده‌ترین عامل برای شرکت‌های چندملیتی‌ای که به دنبال افزایش سطح تولید کالاها و خدمات دارای فناوری بالا

هستند، تبدیل شده است.

این شرکت‌ها در مسیر تولیدات خود به استفاده از نیروی انسانی دارای دانش فنی - مهندسی و مهارت‌های سازمانی و مدیریتی نیازمندند. ورود سرمایه‌گذاری خارجی و فعالیت شرکت‌های چندملیتی منجر به انتقال دانش فنی مدرن به کشور میزبان می‌شود و توسعه منابع انسانی سبب انتقال و بومی کردن این دانش در شرکت‌ها و صنایع داخلی می‌شود. بدیهی است که تجهیز تولیدات و صنایع داخلی به دانش فنی جدید و منابع انسانی بیشتر، محیط سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب‌تر می‌سازد و شرکت‌های چندملیتی با ارزش افزوده بالاتر و دانش فنی مدرن‌تر انگیزه حضور در کشور میزبان را پیدا می‌کنند و به این ترتیب ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تقویت می‌شود [3].

مطالعات گسترده‌ای در زمینه اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت، تجارت بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بررسی رابطه علیت میان آن‌ها انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

باجو روبیو و مونتررو موفیوز [4] با استفاده از داده‌های فصلی FDI خروجی و صادرات، با استفاده از روش ترتیبی هیسائو [5] به بررسی رابطه علی میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات کشور اسپانیا طی دوره 1977-1992 پرداختند. نتایج مطالعه حاکی از علیت یک‌طرفه و مثبت از FDI خروجی به صادرات در بلندمدت و رابطه مثبت دوطرفه در کوتاه‌مدت است. به عبارت دیگر رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در اسپانیا طی دوره فوق، مکمل است.

الگوسل و اورتر [6] در مطالعه دیگری برای کشور اسپانیا، ارتباط علی میان ورود FDI و واردات را طی دوره 1970-1999، به روش گرنجر بررسی کردند. نتایج تخمین نشان داد که در بلندمدت ورود FDI اثر مثبت بر واردات کشور اسپانیا دارد و رابطه بین این دو متغیر نیز مکمل است.

کامارو و تاماریت [7] در مطالعه‌ای ضمن بررسی عوامل مؤثر بر صادرات و واردات نمونه‌ای متشکل از 13 کشور عضو OECD به بررسی اثر ورود و خروج FDI بر هریک از تقاضای

واردات و صادرات این کشورها پرداختند. نتایج تخمین‌ها که براساس داده‌های فصلی طی دوره 1981-1998 انجام شده است، نتایج نشان می‌دهد که در اکثر کشورهای نمونه اثر ورود و خروج FDI بر جریان تجارت (واردات و صادرات) اثر مثبت دارد و فرضیه مکمل بودن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت پذیرفته می‌شود.

آیزن من و نوی [8] مطالعه‌ای کلی در رابطه با ارتباط شاخص‌های مختلف آزادی تجاری و مالی انجام داده‌اند و نشان دادند به‌طور کلی شاخص‌های آزادی تجاری و مالی رابطه بسیار نزدیکی باهم دارند. همچنین آن‌ها در مطالعه دیگری در سال 2006 به بررسی رابطه علیت میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت برای 205 کشور جهان (اعم از توسعه‌یافته و درحال توسعه) طی دوره 1980-2000 پرداختند. آن‌ها در این مطالعه از درصد مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار درجه بازبودن تجاری استفاده کردند. نتایج مطالعه نشان داد که اثر متقابل قوی میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت محصولات صنعتی وجود دارد. همچنین آن‌ها با استفاده از روش ژوئیک [9] برای اولین بار علیت گرنجر را تجزیه کرده و قدرت رابطه علی میان متغیرها را اندازه‌گیری کردند. نتیجه تجزیه علیت گرنجر نشان داد که حداکثر میزان علیت دوطرفه میان این دو متغیر 81 درصد است که 50 درصد آن مربوط به اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت و 31 درصد مربوط به اثر تجارت بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

پارادهان [10] در مطالعه‌ای به بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خروجی در فرآیند ادغام بنگاه‌های داخلی هند با شرکت‌های چندملیتی، بر صادرات صنایع این کشور طی دوره 1980-2003 پرداخت. نتایج مطالعه نشان‌دهنده اثر قوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات صنایع کشور هند است.

میتز و همکارانش [11] به بررسی رابطه متقابل تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با استفاده از سیستم معادلات همزمان متشکل از چهار معادله جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و واردات در کشور آلمان پرداختند. آمار و اطلاعات این

متغیرها محدود به تجارت آلمان با 27 کشور اتحادیه اروپا طی 2005-1993 می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط متقابل معادلات فوق، همانند مطالعات قبلی انجام شده در این زمینه برای کشور آلمان، حاکی از رابطه جانشینی میان FDI و تجارت است.

ژانگ [12] در مطالعه‌ای به بررسی عوامل تعیین‌کننده خروج FDI از کشور چین به 27 کشور میزبان سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی چین، طی دوره 2002-1995 پرداخته‌است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که صادرات این کشورها اثر مثبت و مکمل بر خروج سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی از چین دارد. همچنین مطابق نتایج این مطالعه فراوانی نیروی کار ماهر و متغیرهای نهادی در کشورهای نمونه مورد بررسی، اثری بر سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی از سوی چین در این کشورها ندارد.

در کنار این مطالعات، مطالعات دیگری توسط دو و لفچنکو [13]، لن و میلسی - فریتی [14]، رز و اشپیگل [15] و سونسون [16] انجام شده‌است که به بررسی رابطه میان تجارت و جریان سرمایه بین‌المللی پرداخته‌اند. در تمام این مطالعات تأکید جریان سرمایه بین‌المللی بر سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی بوده‌است. نتایج مطالعات آن‌ها نشان داده‌است که افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی میان کشورها موجب افزایش حجم تجارت و به دنبال آن افزایش بهره‌وری کل عوامل و رشد تولیدات می‌شود.

در داخل کشور تنها مطالعه در زمینه رابطه علت و معلولی میان این دو متغیر توسط طیبی و رفعت انجام شده است. طیبی و همکارانش [17] در مطالعه‌ای به بررسی رابطه تعاملی بین جریان‌های تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی ایران در میان بلوک‌های اقتصادی (کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و هشت کشور اسلامی)، در چارچوب الگوهای پانل دیتا و با استفاده از برآورد معادلات همزمان، از طریق به‌کارگیری متغیرهای ابزاری و روش حداقل مربعات دومرحله‌ای (G2SLS) پرداختند. نتایج حاصل از برآورد الگوها، مبین این نکته است که در تمامی الگوهای مورد بررسی جریان تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی دارای ارتباط مستقیم و معنی‌داری بر یکدیگر

هستند، یعنی افزایش جریان تجاری منجر به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی (و بالعکس) شده که بیانگر وجود رابطه مکملی بین این دو متغیر اقتصادی است.

همچنین، طیبی، آذربایجانی و رفعت [18] در مطالعه‌ای به بررسی اثر جریان‌های تجاری بر سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی در نمونه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا، جنوب شرق آسیا، سازمان همکاری اقتصادی اکو و سازمان هشت کشور اسلامی طی دوره 2005-1996 پرداختند. نتایج تجربی این مطالعه نشان داد که جریان تجاری در همه گروه‌ها دارای اثر مثبت و مکمل بر سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی است.

مطالعات متعدد دیگری نیز در زمینه عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی ایران و نقش تجارت و درجه‌بازبودن در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی، انجام شده‌است. طبق مطالعات آذربایجانی، شهیدی و محمدی [19]، شاه‌آبادی و محمودی [1]، درگاهی [2]، نجارزاده، یآوری و شقاقی‌شهری [20] و نجارزاده و شقاقی‌شهری [21] درجه‌بازبودن اقتصاد (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) اثر مثبت و مکمل با سرمایه‌گذاری مستقیم‌خارجی ایران دارد.

2. تجزیه و تحلیل

تا پیش از نظریات رشد درونزا، تابع تولید هر کشور توسط دو عامل تولید نیروی کار و سرمایه‌فیزیکی تعیین می‌شد. در چنین شرایطی رشد تولید هر کشور و افزایش قدرت رقابت آن در عرصه بین‌المللی مرهون رشد سرمایه‌فیزیکی و برخورداری از ثروت‌ها و منابع طبیعی بود. همزمان با طرح نظریات رشد درونزا و مطرح شدن سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه در تابع رشد اقتصادی، اقتصاد جدید با اتکاء بر مؤلفه‌های دانش‌محور ظهور یافت. در چنین اقتصادی، ماهیت رقابت در توانایی ایجاد ابداعات و نوآوری صورت می‌گیرد که برای دستیابی به این هدف کشورها و مؤسسات، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در امر تحقیق و توسعه انجام می‌دهند و در این راه نقش سرمایه‌انسانی تعیین‌کننده است. بنابراین تبدیل اقتصاد تولید به اقتصاد دانش‌محور همراه با دگرگونی در نحوه دستیابی به قدرت رقابت‌پذیری از مزیت نسبی

مختلف توصیف شده، در جدول (1) آمده است. مطابق جدول (1)، جریان ورودی FDI طی دوره برنامه عمرانی سوم و چهارم قبل از انقلاب اسلامی ایران روند افزایشی داشته است، پس از آن در دوره 56-1352 کاهش یافته و در زمان انقلاب اسلامی ایران تا پایان جنگ تحمیلی نیز به صفر رسیده است. طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز همچنان مقدار بسیار ناچیزی داشته است. اما پس از آن و از زمان اجرای برنامه دوم توسعه تاکنون، این رقم افزایش یافته است.

جدول 1- وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی ایران طی دوره 1342-1386

دوره	درصد شاغلین تحصیلکرده از کل شاغلین [17]	درصد جریان ورودی FDI از تولید ناخالص داخلی [18]	درجه باز بودن اقتصاد [19]	درصد جریان ورودی FDI از کل سرمایه گذاری [20]	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی [21]
1342-46	0/94	0/21	0/34	0/72	5/99
1347-51	1/60	0/28	33/83	0/89	12/9
1352-56	2/71	0/21	98/63	0/5	7/42
1357-67	3/98	0	70/18	0	-2/17
1368-72	5/81	0/01	52/63	0/03	7/03
1374-78	9/97	0/40	41/22	1/51	3/56
1379-83	11/54	1/12	50/54	3/21	5/71
1384-86	12/68	11/27	72/56	31/07	6/05
1340-86	5/14	1/09	50/83	3/09	4/76
1338-56	2/31	0/13	64/16	0/38	5/06
1357-86	7/36	1/40	42/35	3/97	2/51

* به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات سال‌های اخیر، بررسی این جدول تا سال 1386 انجام شده است.

به‌طور کلی جریان ورود FDI به ایران را به سه دوره طبقه‌بندی می‌کنند:

در سال 1334 با تصویب قانون «جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» نقطه عطفی در تاریخ سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی در ایران پدید آمد. با تصویب قانون مذکور و اتخاذ تدابیری مناسب از جمله ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، حجم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی دوره 57-1335، 44 درصد افزایش یافت.

طبیعی به مزیت نسبی اکتسابی است. همچنین نقش سرمایه در تابع تولید نیز تحول یافته است. تأمین سرمایه مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجبات انتقال دانش، مدیریت، فناوری و منابع مالی به کشور را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر تأمین سرمایه‌فیزیکی از کشورهای پیشرفته موجب انتقال فناوری و دانش نوین در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در چنین شرایطی ایجاد قدرت رقابت با اتکاء بر دانش نوین وارداتی در گرو بومی نمودن فناوری‌های وارداتی به کمک عوامل تولید جدید (سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه) است.

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی، سرمایه‌انسانی عامل مؤثر بر تجارت، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی و افزایش توان رقابت‌پذیری محسوب می‌شود. با توجه به اینکه هدف مطالعه حاضر تجزیه و تحلیل ارتباط متقابل سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت خارجی ایران است، دوره مورد بررسی خود را به برنامه عمرانی سوم (1342-46)، برنامه عمرانی چهارم (51-1347)، برنامه عمرانی پنجم (56-1352)، دوره پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا پایان جنگ تحمیلی (67-1357)، برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (72-1368)، برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (78-1374)، برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (83-1379)، سه سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1384-1386) و دو دوره کلی؛ قبل از انقلاب اسلامی ایران (56-1338) و پس از انقلاب اسلامی ایران (86-1357) طبقه‌بندی کرده‌ایم.

همچنین برای اینکه مولفه‌ها از مقیاس یکسانی برای مقایسه برخوردار باشند، سرمایه‌انسانی را به شکل درصدی از کل شاغلین، جریان ورودی FDI را به شکل درصدی از تولید ناخالص داخلی و درجه باز بودن اقتصاد را که درصد مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات از تولید ناخالص داخلی است، به عنوان شاخصی برای جریان تجارت در نظر گرفته‌ایم. میانگین این مقادیر به همراه میانگین نرخ رشد اقتصادی ایران، طی دوران

جدول 2- جریان ورود FDI به کشورهای گروه

هفت و ایران (میلیون دلار) [23]

دوره	آمریکا	انگلستان	ژاپن	ایتالیا	ایران	آلمان	فرانسه	کانادا
-51 1347	1160	1489	158	616	61	1495	601	2070
-56 1352	2832	3570	104	629	325	1429	1449	3223
-67 1357	23770	6513	282	1600	56	1225	3008	3712
-72 1368	42023	20813	990	3662	-29	2579	11546	5186
-78 1374	140887	47986	3885	4901	28	22302	29266	15592
-83 1379	147379	53632	7589	15204	173	60277	43564	24746
-88 1384	199364	131356	11037	29380	1512	43064	76049	56061

* آمار دوره 46-1342 موجود نمی‌باشد. [23].

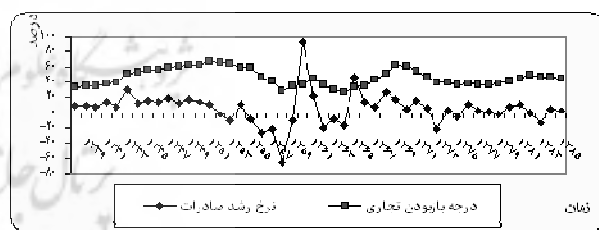
به‌علاوه، بهره‌برداری مناسب از ورود FDI در گرو بازار تحقیق و توسعه منسجم است. بهره‌گیری از سرمایه‌انسانی و مخارج تحقیق و توسعه مناسب، می‌تواند موجبات انتقال و بومی‌کردن دانش و فناوری‌های نوین حاصل از ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم آورد. مطالعات نشان داده‌است که میان سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه دوطرفه وجود دارد. هرچه بازار تحقیق و توسعه منسجم‌تر باشد، استفاده از سرمایه‌انسانی در جهت انتقال و بومی‌کردن دانش و فناوری‌های وارداتی نیز بیشتر است و انگیزه ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر است. برعکس بی‌توجهی به این موارد موجب می‌شود که سرمایه‌انسانی در پاسخ به تقاضای بازار تحقیق و توسعه اقتصادهای دانش‌محور، راهی بازارهای خارجی شده و نتیجه آن عدم بهره‌گیری از دانش و فناوری نوین، عقب‌ماندگی فناوری و کاهش قدرت رقابت‌پذیری در جهان است. درصد شاغلین تحصیل‌کرده از کل شاغلین همواره از برنامه عمرانی سوم (46-1342) تا برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (83-1379) روند افزایشی داشته‌است. میانگین درصد شاغلین تحصیل‌کرده از کل شاغلین پس از انقلاب اسلامی ایران حدود سه برابر همین رقم در سال‌های قبل از انقلاب است. روند افزایشی درصد شاغلین تحصیل‌کرده از کل

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، طی دوره 72-1358 و تصویب اصل 85 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سرمایه‌گذاری در صنایع استراتژیک از جمله نفت منع شد. این عامل به همراه کاهش درجه امنیت اقتصادی به دلیل شرایط جنگی در کشور و سلب مالکیت از شرکتهای خارجی، وجود برخی موانع قانونی برای فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی و عدم اتخاذ خط مشی و سیاست‌های اجرایی مناسب و برنامه‌های مدون موجب گردید ورود سرمایه‌گذاری خارجی به شدت کاهش یابد و حتی به صفر برسد.

اما طی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و نیاز به سرمایه‌گذاری برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده ناشی از جنگ تحمیلی، منع استقراض از خارج و کمبود پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری موجب شد که در اوایل 1370 دولت به دنبال راهکارهای مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد. در این راستا دولت علاوه بر تصویب قوانین در سال 1372، تلاش‌هایی نظیر؛ تجدید نظر در نرخ ارز و برقراری نرخ شناور ارز، تجدید نظر در سیاست‌های قیمت‌گذاری کالاهای صنعتی و آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی صنایع دولتی، ایجاد مناطق آزاد و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام داد. هرچند که این سیاست‌ها با موفقیت کامل همراه نشد، اما جریان ورود FDI مجدداً آغاز شد و طی سال‌های اخیر روند افزایشی پیدا کرده‌است [22]. هرچند میانگین ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به تولید ناخالص داخلی در دوره پس از انقلاب نسبت به دوره قبل از انقلاب افزایش چشمگیری داشته است، اما این رقم در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته و صاحب قدرت رقابت، بسیار ناچیز است. جدول (2) میانگین جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران و کشورهای گروه هفت طی دوره‌های مختلف برنامه را نشان می‌دهد.

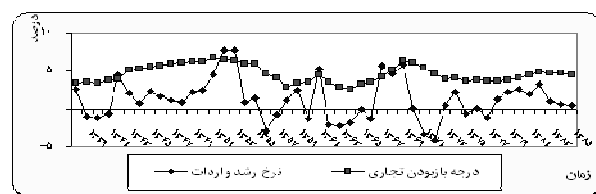
شاغلین بخصوص پس از جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که کشور ما دارای منابع عظیم سرمایه‌انسانی است اما نسبت مخارج تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی و نسبت ورودی FDI به تولید ناخالص داخلی که میزان به‌کارگیری سرمایه‌انسانی را منعکس می‌کند، نشان می‌دهد که در ایران استفاده درستی از سرمایه‌انسانی نشده است.

مطابق جدول (1) درجه بازبودن که بیانگر جریان مبادله است، طی برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم قبل از انقلاب اسلامی از افزایش قابل‌قبولی برخوردار بوده است. طی دوره انقلاب اسلامی ایران تا پایان جنگ تحمیلی این رقم کاهش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. پس از جنگ تحمیلی علی‌رغم روند فزاینده آن و باوجود آنکه کمتر از مقدار قبل از انقلاب اسلامی است، از سطح تقریباً بالایی برخوردار است. درجه بازبودن در اینجا توسط نسبت مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی به‌دست آمده است. بنابراین دو عامل صادرات و واردات کالاها و خدمات نقش مهمی در درجه بازبودن دارد. با مشاهده نمودارهای (1) و (2) می‌توان دریافت طی دورانی که درجه بازبودن ایران افزایش یافته است، واردات کالاها و خدمات نرخ رشد بیشتری داشته است و دو دوره‌ای که این رقم کاهش داشته است، واردات کاهش یافته است.



نمودار 1- درجه بازبودن و نرخ رشد صادرات

ایران [24]



نمودار 2- درجه بازبودن و نرخ رشد واردات

ایران [25]

به‌عبارت‌دیگر، مقایسه نمودارهای (1) و (2) ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که درجه بازبودن اقتصاد ایران، بیشتر تحت‌تأثیر واردات کالاها و خدمات با اتکاء به درآمدهای نفتی است. نکته قابل‌توجه آن است که حجم وسیعی از واردات کالاها و خدمات مختص واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای است. در حالی که درصد مخارج تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی که بیانگر توان بومی‌سازی این فناوری‌های وارداتی است، همواره رقم بسیار ناچیزی داشته است.

از طرف دیگر صادرات کالاهای دارای فناوری بالا شاخص خوبی برای بررسی قدرت رقابت‌پذیری و میزان موفقیت در ایجاد اقتصاد دانش‌محور است. سهم صادرات کالاهای دارای فناوری بالا در کشور نیز طبق جدول (5) بسیار پایین است. بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت که درجه بازبودن ایران ملاک گمراه‌کننده‌ای برای تعیین قدرت رقابت ایران در جهان است. زمانی درجه بازبودن اقتصاد می‌تواند ملاک مناسبی برای تعیین درجه رقابت باشد که وزن اصلی در این معیار به عهده صادرات آن هم از نوع صادرات کالاهای غیرنفتی و دارای فناوری بالا باشد و این امر زمانی محقق خواهد شد که بازارهای تحقیق و توسعه و سرمایه‌انسانی شکوفا داشته باشیم. بدیهی است که بی‌توجهی به بازارهای سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه، موجب افزایش اتکاء به درآمدهای منابع طبیعی و واردات بی‌رویه شده و انگیزه تولید کاهش می‌یابد. از طرف دیگر انگیزه انتقال دانش و فناوری‌های نوین کاهش یافته و دور باطل عقب‌ماندگی فناوری مانع رشد اقتصادی باثبات و کسب قدرت رقابت در جهان می‌شود.

در این قسمت جهت روشن‌تر شدن بحث، به ارائه تصویری از شاخص درجه بازبودن (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) اقتصاد کشورهای گروه هفت و مقایسه این شاخص با کشور ایران در قالب جدول (3)، می‌پردازیم.

همانطور که در جدول (3) ملاحظه می‌شود، میانگین درجه بازبودن اقتصاد ایران از سال 1342 تا پیش از برنامه اول توسعه اقتصادی، بیش از کشورهای گروه هفت بوده است. بیشترین میزان درجه بازبودن اقتصاد ایران طی سال‌های 56-1352 و به

درآمدهای نفتی دارد و نه صادرات کالاهای دانش محور و دارای فناوری بالا.

همانطور که در جدول (4) مشاهده می شود، همزمان با روند افزایش درجه بازبودن اقتصاد ایران طی دوره 86-1338 نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی نیز افزایش یافته است. با توجه به اینکه عمده درآمدهای نفتی صرف واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای می شود، قابل انتظار است که درجه وابستگی اقتصاد کشور نیز به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی افزایش یابد. نسبت صادرات غیرنفتی به واردات کالاها و خدمات که نشان دهنده درجه وابستگی اقتصاد ایران به دنیای خارج است، به موازات افزایش درجه بازبودن اقتصاد ایران افزایش داشته است.

همانطور که مشاهده می شود این نسبت طی سال های برنامه اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی و همگام با افزایش درآمدهای نفتی افزایش داشته است. در چنین شرایطی، زمانی می توان بار منفی وابستگی اقتصادی ناشی از اتکا به درآمدهای نفتی را کاهش داد که توان بومی سازی فناوری های وارداتی در جهت افزایش تولید کالاهای دارای فناوری بالا از طریق گسترش اقتصاد دانش محور، فراهم شود.

جدول 4- نسبت صادرات غیرنفتی به تولید

ناخالص داخلی و واردات کالاها و خدمات (درصد)

[27]

دوره	صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی	صادرات غیرنفتی به واردات کالاها و خدمات
1342-46	2	14
1347-51	2	10
1352-56	4	11
1357-67	2	5
1368-72	5	16
1374-78	5	36
1379-83	6	36
1384-86	7	32

* به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات سال های اخیر، بررسی این جدول تا سال 1386 انجام شده است.

دلیل افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی می باشد. شاخص درجه بازبودن کشورهای گروه هفت نیز طی دوره مورد بررسی روند صعودی داشته است، به طوری که از برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران تا کنون، درجه باز بودن اقتصاد اکثر کشورهای گروه هفت از درجه باز بودن اقتصاد ایران پیشی گرفته است.

جدول 3- شاخص بازبودن اقتصاد کشورهای گروه

هفت و ایران [26]

دوره	آمریکا	انگلستان	ژاپن	ایتالیا	ایران	آلمان	فرانسه	کانادا
1342-46	0/08	0/18	0/06	0/15	-	-	0/15	0/25
1347-51	0/10	0/18	0/06	0/15	0/34	-	0/19	0/32
1352-56	0/10	0/26	0/11	0/24	0/99	0/29	0/27	0/40
1357-67	0/14	0/35	0/14	0/32	0/70	0/38	0/36	0/48
1368-72	0/18	0/45	0/17	0/46	0/53	0/54	0/47	0/62
1374-78	0/23	0/54	0/19	0/53	0/41	0/64	0/55	0/77
1379-83	0/25	0/59	0/20	0/57	0/51	0/74	0/59	0/81
1384-88	0/26	0/63	0/21	0/62	0/73	0/92	0/63	0/81

* به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات، عدد مربوط به ردیف آخر، برای کشور ایران در دوره 86-1384 تعریف شده است.

مقایسه اعداد و ارقام جدول (3) این سؤال را در ذهن پدیدار می کند که چه عامل یا عواملی سبب افزایش قابل ملاحظه درجه بازبودن اقتصادی کشورهای گروه هفت شده است و نقش این شاخص در تعیین قدرت رقابت پذیری چیست؟ آیا میزان بالای درجه باز بودن اقتصاد ایران نسبت به کشورهای گروه هفت حاکی از قدرت رقابت پذیری بالا برای اقتصاد ایران است؟ در پاسخ به این سؤال، توجه به این نکته ضروری است که امروزه درجه رقابت پذیری هر کشور با توجه به میزان تحقق اقتصاد دانش محور در آن کشور تعیین می شود. جریان تجارت اقتصادهای پیشرفته با اتکاء به فرآیندهای دانش محور، شدت بیشتری یافته است و رشد شاخص درجه بازبودن در میان کشورهای گروه هفت را می توان ناشی از گرایش سریع به اقتصاد دانش محور در این کشورها دانست، در حالی که درجه بازبودن اقتصاد ایران همانطور که در قالب نمودارهای (1) و (2) تشریح شد، بستگی مستقیم به واردات کالاها و خدمات از محل

جدول 5- شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور ایران و

کشورهای گروه هفت (درصد) [32]

متغیر	دوره	کانادا	فرانسه	آلمان	ایران	ایتالیا	ژاپن	انگلستان	آمریکا
مخارج R&D به GDP	1359-63	0/5	1/5	1/7	0/1	0/6	1/3	2/4	2/2
	1364-68	0/6	1/6	2	0/2	0/6	1/6	2/2	2/2
	1369-73	1	1/9	2/2	0/3	0/8	2/03	2/3	2/5
	1374-78	1/72	2/19	2/27	1/0	1/02	2/93	1/80	2/60
	1379-83	2/03	2/18	2/48	0/59	1/09	3/14	1/76	2/68
	1384-88	1/94	2/07	2/52	0/70	1/15	3/39	1/80	2/70
خالص ورود FDI به GDP	1359-63	0/88	0/39	0/10	0/00	0/23	0/02	1/03	0/55
	1364-68	1/08	0/67	0/22	-0/06	0/36	0/01	2/26	0/98
	1369-73	0/98	1/33	0/14	0/01	0/32	0/04	1/82	0/60
	1374-78	2/48	1/94	1/00	0/03	0/36	0/09	3/59	1/67
	1379-83	3/35	2/87	3/20	1/57	1/16	0/18	3/52	1/50
	1384-88	4/10	3/09	1/57	0/87	1/43	0/23	5/64	1/58
صادرات High Tech به صادرات صنعتی	1359-63	-	-	-	-	-	-	-	-
	1364-68	11/39	15/47	11/11	-	7/05	23/88	24/93	33/48
	1369-73	14/19	17/84	12/07	-	8/12	24/27	24/81	33/64
	1374-78	15/34	20/44	14/01	0/24	7/82	25/97	28/07	33/88
	1379-83	15/43	21/09	17/2	1/85	8/61	25/36	27/84	33/59
	1384-88	14/43	20/02	16/9	2/68	7/15	22/47	28/02	31/8
نرخ رشد GDP	1359-63	2/27	1/55	1/19	1/11	1/82	3/58	1/00	2/40
	1364-68	3/81	3/02	2/72	-1/73	3/29	5/16	3/90	3/67
	1369-73	1/22	1/34	2/89	5/72	1/12	2/15	1/21	2/40
	1374-78	3/66	2/39	1/75	3/56	1/73	0/78	3/26	4/02
	1379-83	4/14	2/72	2/01	4/06	1/91	0/97	3/44	4/35
	1384-88	1/22	0/75	0/61	4/49	-0/47	-0/22	0/54	1/00

مطابق جدول (5) نکات زیر قابل استخراج است:

درصد مخارج تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی؛ همانطور که مشاهده می‌شود این نسبت برای تمام کشورهای گروه هفت طی دوره 1359-88 (1980-2009 میلادی) روندی افزایشی داشته است. نکته بارز در خصوص این نسبت این است که آمریکا، طی این دوره همواری چیزی در حدود 2.2 تا 3 درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف مخارج تحقیق و توسعه کرده است. همچنین ژاپن، آلمان و انگلستان به ترتیب 1/3 تا 3/39 درصد، 1/7 تا 2/52 درصد و 1/76 تا 2/4 درصد از تولید ناخالص داخلی خود را طی دوره فوق، صرف مخارج تحقیق و توسعه کرده‌اند. این در حالی است که کشور ایران علی‌رغم

در زمینه اندازه اقتصاد دانش‌محور، دو شاخص مهم ارائه شده است: شاخص اقتصاد دانش‌محور ارائه شده توسط APEC [28] (سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه)، شامل چهار بخش اصلی، خلق دانش، تحصیل و یادگیری دانش، انتشار دانش و کاربرد دانش می‌باشد.

همانطور که مشخص است خلق دانش بر اساس سیستم ابداعات ملی، تحصیل و یادگیری دانش با توسعه منابع انسانی، انتشار دانش با در نظر گرفتن زیرساخت‌های ICT و به کارگیری دانش با توجه به محیط کسب و کار مشخص می‌شود. بانک جهانی نیز شاخصی تحت عنوان متدولوژی تخمین دانش ارائه کرده است که شامل پنج بخش؛ عملکرد اقتصاد (شامل دو معیار؛ متوسط رشد سالانه GDP و شاخص توسعه انسانی)، مشوق‌های اقتصادی و رژیم‌های نهادی (شامل؛ موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، کیفیت نظم و ترتیب و قانون و مقررات)، آموزش و منابع انسانی (شامل؛ نرخ باسوادی بزرگسالان بالای 15 سال، ثبت نام در سطح دوم آموزش و ثبت نام در سطح سوم آموزش)، سیستم ابداعات (شامل؛ سرانه محققان به ازای یک میلیون نفر، سرانه ثبت اختراعات به ازای یک میلیون نفر و سرانه مقالات و مجلات علمی و فنی به ازای یک میلیون نفر) و زیرساخت‌های اطلاعاتی (شامل؛ سرانه تلفن در 1000 نفر، سرانه کامپیوتر در هزار نفر و سرانه استفاده کنندگان اینترنت در 10000 نفر) می‌باشد [29].

با توجه به موضوع مطالعه، در جدول (5) تعدادی از شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور را برای کشورهای گروه هفت و ایران طی دوره 1359-1388 [30] و به صورت میانگین پنجساله، آورده‌ایم. این شاخص‌ها ترکیبی از شاخص‌های معرفی شده توسط APEC و بانک جهانی می‌باشند.

درصد مخارج R&D از GDP را به عنوان شاخصی برای خلق دانش، درصد خالص ورود FDI از GDP و درصد صادرات کالاهای دارای فناوری بالا [31] از صادرات کالاهای صنعتی را برای تحصیل و یادگیری دانش ارائه کرده‌ایم. همچنین نرخ رشد اقتصادی کشورها را به عنوان شاخص مقایسه عملکرد اقتصادی کشورها به تصویر کشیده‌ایم.

روند فزاینده در تخصیص تولید ناخالص ملی به مخارج تحقیق و توسعه، همواره رقم بسیار ناچیز و در حدود 0/1 تا 0/7 درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف مخارج تحقیق و توسعه کرده است. به عبارت دیگر کشورهای گروه هفت در مسیر پایه ریزی اقتصاد دانش محور و در ایجاد یکی از بخش های اصلی آن، یعنی خلق دانش، موفق عمل کرده اند و عملکرد ایران در مقایسه با این کشورها، بسیار ضعیف است. 90 درصد از هزینه تحقیق و توسعه در اقتصاد ایران توسط دولت انجام می شود و وزن اصلی هزینه تحقیق و توسعه در ایران هزینه هایی است که صرف امور غیر تحقیقاتی می شود. از طرف دیگر، تحقیقات در ایران نه تنها تقاضا محور نیست، بلکه عرضه محور و به نوعی کالای لوکس است. زیرا اتخاذ سیاست های ناهمگون اقتصادی، انگیزه ای برای فعالان اقتصادی جهت تخصیص منابع به این مولفه ایجاد نکرده است.

اما نکته قابل توجه این است که مقدار افزایش درصد خالص ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای مورد مطالعه، طی این دوره چندان قابل توجه و حتی در مواردی محسوس نبوده است. در این زمینه استدلال این است که نوسانات جریان ورود و خروج سرمایه گذاری خارجی در جهان طی سال های پس از 1359 به گونه ای بوده است که کشورهای توسعه یافته علی رغم آنکه تأمین کننده عظیم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان بوده اند، خود میزبان حجم بزرگی از FDI ورودی نبوده اند. به طوری که همواره پس از سال 1359 خالص ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشورها مثبت می باشد.

ارقام منفی درصد خالص ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی ایران طی دوره 68-1364 در شرایطی ایجاد شد که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تصویب اصل 85 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع استراتژیک از جمله نفت منع شد و کشور ایران تا دوره 68-1364 در مبادلات جهانی سرمایه گذاری مستقیم خارجی، نقش صادر کننده ای کوچک، را ایفا کرد. از دوره 68-1364 به بعد و با نیاز شدید دولت به منابع مالی جهت

بازسازی مناطق جنگی، راهکارهای مناسب برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی اتخاذ شد و به این ترتیب خالص ورود سرمایه گذاری خارجی از دوره 73-1369 دارای رقم مثبت گردید و در دوره 88-1384 این نسبت به 0/87 درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است.

درصد صادرات کالاهای دارای فناوری بالا به صادرات صنعتی؛ این نسبت برای کشورهای فوق طی دوره مذکور بعضاً افزایش داشته است و در مواردی نیز در مقدار بالایی حفظ شده است. آمریکا پیش از صادرات کالاهای دارای فناوری بالا بوده است و طی این دوره بالغ بر 33 تا 34 درصد از صادرات صنعتی خود را به صادرات کالاهای دارای فناوری بالا اختصاص داده است. پس از آن انگلستان، ژاپن، فرانسه، کانادا و ایتالیا می باشند که به ترتیب 28/02، 22/47، 20/02، 14/43 و 7/84 درصد از صادرات صنعتی خود را به صادرات کالاهای دارای فناوری بالا اختصاص داده اند. این در حالی است که ایران تا سال 1383 به طور متوسط 1/94 درصد از صادرات کالاهای صنعتی خود را به صادرات کالاهای دارای فناوری بالا اختصاص داده است. قسمت عمده صادرات کالاهای دارای فناوری بالا متکی به فناوری وارداتی حاصل از واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای است. گرچه واردات فناوری در کوتاه مدت به عنوان نقطه قوت جهت کاهش شکاف فناوری محسوب می شود، اما اگر تدابیری در خصوص هماهنگی سیاست های آموزشی و پژوهشی با سیاست های کلان اقتصادی در راستای ایجاد انگیزه فعالان اقتصادی جهت توجه به مؤلفه های اقتصاد دانش محور اتخاذ نشود، در بلندمدت نمی توان به بومی شدن فناوری وارداتی و افزایش قدرت رقابت پذیری اقتصاد ایران امیدوار بود.

مقایسه سه شاخص فوق زمانی مفهوم پیدا می کند که بدانیم، در راه حصول اقتصاد دانش محور این سه شاخص مکمل و در واقع باز خوردی برای یکدیگرند. در فرآیند توسعه اقتصادی بر مبنای اقتصاد دانش محور، اشاعه فناوری نقش محوری و کلیدی دارد و این مسئله از طرق مختلف برای انتقال ایده ها و فناوری های جدید امکان پذیر است. گسترش فعالیت های تحقیق و توسعه، واردات محصولات با فناوری بالا، سرمایه گذاری

مستقیم خارجی و به کارگرفتن فناوری خارجی و بومی کردن آن‌ها از طریق استخدام سرمایه‌های انسانی از راه‌های اشاعه فناوری است. محصول استفاده از فناوری نوین بومی شده، همانا تولید و صادرات کالاهای با فناوری بالاست.

مطابق جدول (1) درصد میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کل سرمایه‌گذاری کشور تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، طی برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم دارای روند افزایشی، اما کمتر از یک درصد بوده است. پس از انقلاب اسلامی تا برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی این رقم بسیار ناچیز و صفر بوده است. اما با جذب سرمایه‌های خارجی در دوران بعد از جنگ تحمیلی، درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کل سرمایه‌گذاری روند افزایشی داشته است و به حدود سه درصد رسیده است. و این امر نیز می‌تواند گواهی دیگری بر ضعف در فرآیند جذب سرمایه‌های خارجی و برخورداری از دانش فنی نوین باشد.

این دیدگاه که؛ ایجاد محدودیت عمدی بر ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ابزاری مناسب برای ارتقا و توسعه فناوری است، بر این نظر استوار است که گرچه شرکت‌های فراملیتی ابزار کارآمدی برای انتقال دانش فنی تلقی می‌شوند، اما ظرفیت‌های داخلی را برای رسیدن به مرحله نوآوری تعمیق نمی‌بخشند. این دیدگاه زمانی قابل قبول است که کشورها نتوانند ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را مدیریت کنند، سایر ابزارهای دسترسی به فناوری خارجی را فراهم آورند، انگیزه‌ها و مهارت‌های بنگاه‌های داخلی را تقویت کنند و پذیرای مخارج R&D شوند. بسیاری از کشورهایی که ورود FDI و فناوری را محدود کرده‌اند، در تدارک نهادهای لازم برای توسعه فناوری کوتاهی کرده‌اند و از این رو باعث ایجاد وقفه فناوری در خود شده‌اند [33].

بنابراین می‌توان بیان داشت که محروم ماندن ایران از جریان ورود FDI طی سال‌های 67-1357 و عدم توانایی در جذب میزان مناسبی از آن در سال‌های اخیر، همچنین عدم اختصاص مخارج کافی در امر تحقیق و توسعه در جهت بومی کردن فناوری‌های خارجی، موجبات ایجاد وقفه فناوری در ایران را فراهم نموده

است و حاصل آن را می‌توان در درصد بسیار ناچیز تولید و صادرات کالاهای با فناوری بالا طی دهه‌های اخیر مشاهده نمود. لذا، با توجه به اینکه دو نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی و صادرات کالاهای دارای فناوری بالا به صادرات صنعتی، شاخص‌هایی از مرحله تحصیل و یادگیری دانش در فرآیند ایجاد اقتصاد دانش‌محور به‌شمار می‌روند، می‌توان بیان نمود که در مقایسه با کشورهای گروه هفت، ایران در مرحله تحصیل و یادگیری دانش ناتوان بوده است و برعکس این کشورها با استفاده به موقع و مناسب از جریان FDI و مخارج تحقیق و توسعه، در این زمینه موفق عمل کرده‌اند.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی؛ چنانچه این متغیر را به عنوان حاصل فعالیت‌های اقتصادی یک کشور و معیاری برای سنجش موفقیت نظام‌های اقتصادی حاکم بر کشورها بدانیم، می‌توان بیان کرد که روند رو به رشد و باثبات این متغیر بیانگر وضعیت اقتصادی مناسب کشورها است. روند افزایشی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای گروه هفت، همچنین کشور ایران در وهله اول حاکی از وضعیت اقتصادی مناسب این کشورها است. اما باید دید که چه هنگام این رشد را می‌توان مناسب تلقی کرد. با نگاهی مجدد به وضعیت درصد مخارج تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی، همچنین صادرات کالاهای دارای فناوری بالا از صادرات صنعتی در این کشورها، این نکته استنباط می‌شود که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای گروه هفت طی دوران پنج ساله در فاصله سال‌های 88-1359، تقریباً یک تا سه درصد بوده است و این رقم نسبتاً باثبات را می‌توان حاصل کوشش این اقتصادها در به کارگیری اقتصاد دانش‌محور دانست. درحالی که نمی‌توان رشد (بی‌ثبات) حدود 1/11 درصدی ایران طی 63-1359 یا حتی نرخ رشد 4/06 درصدی ایران طی دوره 83-1379 را با قاطعیت نتیجه فرآیندهای تولیدی دانش‌محور دانست (قسمت اعظم رشد اقتصادی ایران مرهون صادرات منابع طبیعی، خصوصاً نفت است).

با توجه به مباحث مطرح شده نمی‌توان برای بررسی رابطه میان تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شاخص کلی

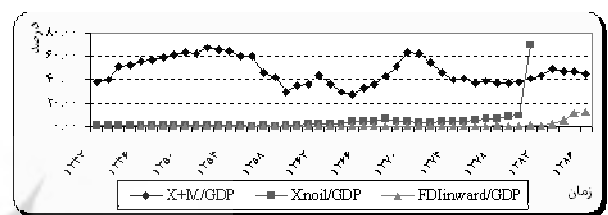
نظری و تجربی انتظار می‌رفت) تبدیل نشده است و دلیل آن نیز همانطور که گفته شد، فقدان رونق بازار تحقیق و توسعه و سرمایه انسانی در ایران است که مانع انتشار مؤثر فناوری‌های نوین در تولیدات داخلی شده است.

براین اساس می‌توان بیان کرد؛ شکوفایی اقتصاد دانش‌محور در کشورهای توسعه‌یافته موجبات ایجاد چرخه فعال میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان تجارت، حصول به رشد و توسعه مستمر و باثبات و برتری در رقابت جهانی را در این کشورها فراهم آورده است. به‌طور کلی، نتایج مقایسه ایران و کشورهای توسعه‌یافته در چند شاخص فوق، حاکی از فقدان رونق بازار تحقیق و توسعه و سرمایه انسانی در ایران است که موجب شده تعامل مناسبی میان جریان تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت نگیرد و گام‌های ایران در مسیر دستیابی به اقتصاد دانش‌محور و افزایش توان رقابت‌پذیری بین‌المللی به کندی برداشته شود.

سیاست‌های اقتصادی همچون تعیین دستوری نرخ ارز، نرخ دستمزد و نرخ بهره موجب شده است که عوامل تولید دارای فراوانی فیزیکی مانند سرمایه انسانی به اشتباه، گران و عوامل تولید دارای کمیابی فیزیکی همچون سرمایه فیزیکی به اشتباه، ارزان شوند. به این ترتیب فعالان اقتصادی همچون گذشته کسب رقابت اقتصادی را متکی به اقتصاد تولید دانسته و در فرآیندهای تولید خود همچنان بر مزیت نسبی طبیعی اتکا داشته و از قافله اقتصاد دانش‌محور و اتکا بر مزیت نسبی در رقابت اقتصادی دور می‌مانند. در چنین شرایطی حتی فناوری‌های نوین در قالب ورود سرمایه‌های خارجی مستقیم، به دلیل عدم‌انگیزه در به‌کارگیری عوامل تولید جدید نظیر سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه توسط کارفرمایان و فعالین اقتصادی، قابلیت بومی شدن و استفاده در تولیدات داخل در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری را ندارد.

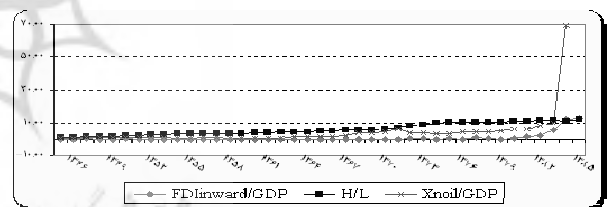
به دلیل ارتباط متقابل میان سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت، در صورتی که به رفع موانع و چالش‌های موجود بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته شود، این عنصر می‌تواند نقش تعیین‌کننده در کاهش شکاف فناوری کشور با کشورهای توسعه‌یافته ایفا کند. زیرا ورود

نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی اطمینان داشت. لازم است که شاخص درجه باز بودن اقتصاد ایران مورد تعدیل قرار گیرد. بنابراین از نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی در این زمینه استفاده می‌نماییم. برای درک بهتر این امر، در نمودار (4) رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص کلی درجه باز بودن و نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی و در نمودار (5)، رابطه متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت (نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی) و سرمایه‌انسانی (نسبت شاغلین تحصیل‌کرده به کل شاغلین) ترسیم شده است.



نمودار 4- رابطه FDI، درجه باز بودن و نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی ایران

[34]



نمودار 5- جریان ورود FDI، تجارت و سرمایه‌انسانی

[35]

همانطور که مشاهده می‌شود، روند افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با روند افزایش نیمه‌محسوس در افزایش صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی، ارتباط نزدیک‌تری دارد، تا با روند نوسانی شاخص کلی درجه باز بودن. در واقع رابطه مکمل میان جریان تجارت، سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی ایران محسوس‌تر است. همانطور که مشاهده می‌شود، علی‌رغم تعامل مثبت میان صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هیچ‌گاه این تعامل به فرآیند خودافزا (آن‌گونه که از مطالعات

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به معنی انتقال دانش، مدیریت، فناوری و منابع مالی به داخل کشور است و بهره‌برداری صحیح از این فناوری‌ها در گرو استفاده درست و به موقع از سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه در راستای بومی‌نمودن فناوری‌های وارداتی است که خود موجب بهبود فضای رقابتی در داخل و خارج کشور می‌شود. تجربه موفق کشورهایی چون کره جنوبی، مالزی و چین در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فراهم کردن زمینه شکوفایی بازارهای سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه به طور همزمان، نشان می‌دهد که این کشورها چگونه توانسته‌اند از ارتباط متقابل میان سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری خود بهره‌برداری نمایند. بنابراین چنانچه به ارتباط متقابل سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری خارجی توجه نشود، سرمایه‌خارجی به تنهایی نمی‌تواند نقش جدی در کاهش شکاف رقابتی و توسعه فضای رقابتی اقتصاد ایران در داخل و خارجی داشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

براساس مطالعات نظری و تجربی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان تجارت رابطه مکمل و متقابل دارند و سرمایه‌انسانی نقش تعیین‌کننده‌ای در تشدید و خودافزایی این تقابل دارد. در صورت نگاه صحیح به موضوع سرمایه‌انسانی، سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت و روابط متقابل میان آن‌ها می‌تواند کمک جدی به توسعه فضای رقابتی نمود.

بررسی رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) ایران نشان داد که به دلیل فقدان رونق بازار سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه (که برآیند اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نظیر تعیین دستوری نرخ ارز، نرخ دستمزد و نرخ بهره است)، این تقابل را نمی‌توان به وضوح در این شاخص مشاهده کرد. به عبارت دیگر رابطه تنگاتنگی بین شکوفایی اقتصاد دانش محور و ایجاد این رابطه متقابل میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان تجارت وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که

صادرات غیرنفتی علی‌رغم اینکه درصد بسیار کمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، تقابل مثبتی و مکمل بین این متغیر و ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد. با وجود این ارتباط مکمل، ناهماهنگی سیاست‌های آموزشی و پژوهشی با سیاست‌های کلان اقتصادی در راستای ایجاد انگیزه فعالان اقتصادی جهت توجه به مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌محور، موجب شده است که فضای مناسب جهت افزایش نرخ‌بازده سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری خارجی به منظور توسعه فضای رقابتی در کشور فراهم نشود. بنابراین قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ایران پایین است و ضروری است برای افزایش قدرت رقابت‌پذیری اقدام به توسعه فضای رقابتی نمود. در راستای نتایج حاصل از مطالعه، در این زمینه پیشنهاداتی قابل طرح است؛

1- به منظور دستیابی به تعامل مثبت و خودافزا میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت، لازم است بیش از پیش به رونق و شکوفایی بازار تحقیق و توسعه و سرمایه‌انسانی بها داد تا بتوان از نقش کلیدی سرمایه‌انسانی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید کالاهای دارای فناوری بالا، جهت افزایش قدرت رقابت‌پذیری، بهره بیشتری برد.

2- لزوم هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی و پژوهشی در راستای افزایش نرخ‌بازده سرمایه‌انسانی و فراهم کردن زمینه شکوفایی بازار تحقیق و توسعه و جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

3- برنامه‌ریزی و جهت‌گیری یارانه‌ها به سمت تشویق فعالان اقتصادی در جهت استفاده از عوامل تولید جدیدی که منجر به ابداع، نوآوری و خلاقیت شده و فضای رقابتی را بهبود می‌بخشد.

در هنگام تحلیل و بررسی تجربی رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت به منظور قابل اعتمادتر شدن نتایج، در کاربرد نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص بازبودن اقتصاد و نماینده جریان تجارت،

احتیاط شود و این شاخص به گونه‌ای تعدیل شود که بخش نفتی از آن جدا شود.

پی‌نوشت

1. شاه‌آبادی و محمودی 1385، 101.
2. درگاهی 1386، 73.

3. Miyamoto, 2003, 23.
4. Bajo-Rubio & Montero-Muñoz.
5. Hsiao, 1981.
6. Alguacil & Orts.
7. Camarero & Tamarit.
8. Aizenman & Noy.
9. Geweke.
10. Pradhan.
11. Mitze, Alecke and Untiedt.
12. Zhang.
13. Do & Levchenko.
14. Lane & Milesi-Ferretti.
15. Rose & Spiegel.
16. Swenson.
17. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق و موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی.
18. آمار و اطلاعات اخذ شده از گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران.
19. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی.
20. محاسبه به کمک آمار بند 18 و 19.
21. همان 19.
22. درگاهی، 1386، 73.
23. www.wdidata.ir.
24. همان 19.
25. همان 19.
26. www.wdidata.ir.
27. همان 19.
28. Asia-Pacific Economic Co-operation Forum.
29. عمادزاده و دیگران، 1387، 152.
30. دوره مورد مطالعه در این مطالعه 88-1340 است ولی از آنجا که آمار و اطلاعات مربوط به مخارج R&D و صادرات

کالاهای High Tech از ابتدای این دوره در اختیار نیست، دوره جدول (5) به صورت 88-1359 تعریف شده است.

31. High Technology.

32. www.wdidata.ir.

33. درگاهی، 1386، 78.

34. رجوع شود به 20-17.

35. رجوع شود به 20-17.

منابع

- Aizenman, J. and I. Noy. "Endogenous Financial and Trade Openness: Efficiency and Political Economy Considerations." *NBER Working Paper* 10496, 2004.
- Aizenman, J. and I. Noy. "FDI and Trade—Two-Way Linkages?" *The Quarterly Review of Economics and Finance* 46. 317–337, 2006.
- Alguacil, M. T. and V. Orts. "Inward Foreign Direct Investment and imports in Spain." <http://www.fedea.es/hojas/publicaciones.html>, 2002.
- Azarbaijani K., A. Shahidi and F. Mohammadi (Summer 2009), "Examination of Foreign Direct Investment, Trade and Growth Relationship: Using Autoregressive Distributed Lag (ARDL) Approach." *The Economic Research*, 9(2). 1-17 (in persian).
- Bajo-Rubio, O. and M. Montero-Munoz. "Foreign Direct Investment and Trade: a Casualty Analisis", 1999.
- Camarero, M. and C. Tamarit. "Estimating Exports and Imports Demand for Manufactured Goods: The role of FDI." *Working Paper no. 22/2003*, 2003.
- Dargahi, H. (Winter 2007). "The Effective Determinants for Encouraging Foreign Direct Investment: Lessons for the Economy of IRAN." Sharif: Engineering, New Series (22) (36 (Issue Focus: Industrial Engineering and Economics)). 57-73 (in persian).
- Do, Q. T. and A. A. Levchenko. "Trade and Financial Development." *In Paper presented at LACEA 2004*, 2004.
- Emazadeh. M and R.A. Shahnazi (Winter 2008) "A Study of Fundamental and Indices of

- Rose, A. K. and M. M. Spiegel. "A Gravity Model of Sovereign Lending: Trade, Default, and Credit." *IMF Staff Papers* 51. 50-63, 2004.
- Shah Abadi, A. and A. Mahmoudi (Spring-Summer 2006). "Determinants of Foreign Direct Investment (A Case Study for IRAN)," *Journal of Economic Essays*, 3(5). 89-126 (in persion).
- Swenson, D. L. "Foreign Investment and the Mediation of Trade Flows." *Review of International Economics*, 12(4).609-629, 2004.
- Tayebi S.K. and B. Rafat, "The Relationship Between Trade and FDI for the Economy of IRAN," *Economic Research Review*, 10(1(36)). 41-58 (in persion), 2010.
- Tayebi S.K., K. Azarbaijani and B. Rafat (Fall 2007), "The Relationship Between Trade and FDI." *Tahghighat-E-Eghtesadi*, (80). 101-120 (in persion).
- UNCTAD, 2007.
- World Development Indicators, CD-Rom 2007.
- Yavari K., R. Najarzadeh and V. Shaghaghi Shahri (Fall 2005) "Regional Convergence and its Impact on Foreign Direct Investment (FDI) and Economic Growth." *The Economic Research*, 5(3). 67-89 (in persion).
- Zhang, Y. "Unravelling the Complex Motivations behind China's FDI." Discussion Paper Series, 2009.
- Knowledge Based Economy (Comparing IRAN with Groups Candidate Countries)." *Economic Research Review*, 7(4 (27)). 143-175 (in persion).
- I.R.I. Central Bank, "Iran's National Accounts." & "Balance Sheet and Economic Report." During Different Years.
- Lane, P. R. and G. M. Milesi-Ferretti. "A Global Perspective on External Positions." *IMF Working Paper*, WP/05/16, 2005.
- Lane, P. R. and G. M. Milesi-Ferretti. "International Investment Patterns," *IMF Working Paper*, WP/04/134, 2004.
- Mitze, T., B. Alecke, et al. "Trade-FDI Linkages in a System of Gravity Equations for German Regional Data," *Ruhr Economic Papers*, 84, 2009.
- Miyamoto, K. "Human Capital Formation and Foreign Direct Investment in Development Countries," *OECD Development Centre*, Working Paper No. 211, 2003.
- Najarzadeh. R and V. Shaghaghi Shahri "Classification of OIC Countries Based on Factors Influencing Foreign Direct Investment (FDI)," *Journal of Economic Essays*, 1(2). 87-108 (in persion), 2004.
- Pradhan, J. P. "How Do Indian Multinationals Affect Exports from Home Country?" *Institute for Studies in Industrial Development, Working Papers*, 2007.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی